

خلود در جهنم بر اساس روابط همنشینی و جانشینی*

رضوان حاجی شرفی**
عبدالهادی فقهی‌زاده***
محمدهادی امین‌ناجی****
زهرا خیراللهی*****

چکیده

شبکه معنایی واژگان خلود ۷۹ بار در قرآن آمده که ۳۸ بار در مورد دوزخیان که ۲۸ بار آن (کفارمعاند) و ۱۰ بار آن (مؤمنین عاصی) است. این پژوهش با کمک دانش معناشناسی و ادبیات عرب و سیاق آیات همنشین و جانشین با آیات خلود به این نتیجه می‌رسد که نخست خلود یک مفهوم فرازمانی است چون مربوط به جهان آخرت است و زمان مربوط به دنیا می‌باشد. دوم خلود در ادب عربی به دو معنای واقعی (ابدیت و جاودانگی) و لغوی یا نسبی (طول اللبث و مدت طولانی) کاربرد دارد. سوم با بررسی‌های به عمل آمده اکثریت گنهکاران خلودشان لغوی یا نسبی است و بعد از پاکسازی از جهنم و عذاب نجات می‌یابند اما اقلیتی از کفار معاند که سیاه و عین گناه شده‌اند، خلودشان در جهنم واقعی و جاودانه است. چهارم روش این پژوهش اثبات معنای واقعی یا لغوی خلود در جهنم است. پنجم پرسش اصلی این پژوهش جاودان یا زمان‌دار بودن در دوزخ است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، حدیث، خلود، جهنم، همنشینی، جانشینی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۲۰۰۱/۰۱/۱۳

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور تهران جنوب، مربی دانشگاه آزاد دزفول،

rezvan.hajisharafi1345@gmail.com

Fahizad@ut.ac.ir

Aminnaji@pnu.ac.ir

zkheirolahi@yahoo.com

*** دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران،

**** استاد دانشگاه پیام نور تهران جنوب،

***** استادیار دانشگاه پیام نور تهران جنوب،

۱. مقدمه و طرح مسأله

خدای رحمان به عنوان خالق و مدبر جهان هستی که آفرینش مظهر رحمت گسترده اوست، در مسیر هدایت انسان‌ها بر مبنای اختیار ایشان موضوعی به نام پاداش نیکی‌ها و مکافات زشتی‌ها مبتنی بر انتخاب یکایک انسان‌ها را مدنظر خویش قرار داده و به اطلاع ذی‌نفعان با روش‌های گوناگون بوسیله انبیا و رسولان مکرم خویش رسانیده است. بهشت به عنوان بالاترین پاداش و دوزخ به مثابه سخت‌ترین جایگاه مکافات و عذاب در نظر گرفته شده است. حال با عنایت به صفات رحمانی الهی مسأله پردغدغه فکری متفکران توحیدی دائر مدار چگونگی و کمیت میزان حضور در دار مکافات است، برای دستیابی به حقیقت موضوع حضور در جایگاه عذاب موحدان و خصوصاً مسلمانان موضوع جاودانگی حضور در دوزخ در این پژوهش بررسی شده است. در برگردان ترجمه آیات به زبان فارسی از ترجمه قرآن محمد مهدی فولادوند استفاده شده است.

۲. ادبیات نظری پژوهش

۲-۱. پیشینه پژوهش

در این باره مقالات بسیاری نوشته شده که از آن میان می‌توان این موارد را برشمرد:

- مقاله تأملی در جاودانگی عذاب کفار از محمدحسن قدردان قراملکی، (۱۳۷۶)،

کیهان اندیشه

نویسنده بیش‌تر علمای اسلام را در شمار موافقان خلود می‌داند و به آیات و احادیث و اجماع علما استناد می‌کند. ولی آیات خلود و روایات را حداکثر در حد وعید می‌داند و عمل به وعید را مثل عمل به وعده لازم و واجب نمی‌داند. اجماع قطعی در مسأله خلود محقق نیست.

- مقاله جستاری در باب خلود در عذاب از عباس نیکزاد (۱۳۸۴) فصلنامه رواق اندیشه

خلود در جهنم بر اساس روابط همنشینی و جانشینی ۸۷

نویسنده فطرت بشری را توحیدی می‌داند، فسق و کفر برای انسان عرضی است در نتیجه کفار و فساق پس از تحمل عذاب‌های گوناگون در مدت‌های طولانی پاک و فطرت توحیدی آنها مجدداً ظاهر می‌گردد. ثانیاً مدت حیات و عمر بشر در دنیا محدود است و گناهان او نیز محدود است، عدل الهی ایجاب می‌کند که میان جرم و عقوبت آن تناسب باشد.

- مقاله خلود در عذاب با مروری بر دیدگاه صدرالمتألهین از حسن مطیع (۱۳۸۷)

فصلنامه اندیشه نوین دینی

نویسنده دلایل عقلی و نقلی موافقان و مخالفان خلود و خلود شخصی و نوعی را از دید ملاصدرا را می‌گوید.

- مقاله بررسی تأویلات ابن عربی درباره آیات خلود و جاودانگی عذاب در قرآن از

حسن ابراهیمی، (۱۳۸۸) فصلنامه مطالعات عرفانی

نویسنده سرانجام همه چیز از جمله جهنم را از دید ابن عربی رحمت و نعمت می‌داند و فطرت توحیدی انسان را باور دارد و حکم آن را در دنیا و آخرت جاری می‌داند.

- مقاله تحلیلی بر جاودانگی عذاب اخروی از دیدگاه ملاصدرا و تطبیق آن با آیات و

روایات از محمدحسین دهقانی محمودآبادی و محمدرضا بلائیان (۱۳۸۹)، فصلنامه الهیات تطبیقی

نویسنده از مجموع آیات و روایات خلود می‌گوید: امکان عذاب جاودانه اخروی برای برخی انسان‌ها حتمی و قطعی است. اما وقوع و کیفیت وقوع آن قابل اثبات نیست و کاملاً به اراده و مشیت الهی بستگی دارد.

- مقاله مساله دوام یا پاداش و کیفر اخروی با رویکرد قرآنی از محمود قیوم‌زاده

(۱۳۸۹) پژوهش‌های فلسفی - کلامی

نویسنده گوید: درباره خلود بهشتیان میان علمای اسلامی اختلافی نیست چون وعده

خداوند به مطیع از نظر عقلی و شرعی و عرفی واجب است ولی در مورد خلود کفار و مشرکین در عذاب اختلاف نظر است.

- مقاله نظام توحیدی قرآن، نافی جاودانگی عذاب مجرمان از محمد اسدی نسب،
(۱۳۹۳) فصلنامه قبسات

برخی خلود را به معنای جاودانگی رد کرده‌اند. گروهی خواسته‌اند آن را به شکل عقلانی تقریر کنند. از سوی دیگر تنافی آن با صفات رحمت و حکمت و عدالت الهی سبب شده برخی عارفان چاره‌اندیشی کنند و نفی ابدیت عقاب مجرم را بیان کنند.

- مقاله بررسی عقلی و شواهد قرآنی، روایی بر اثبات مفهوم خلود به معنای عدم پیوستگی عذاب در جهنم از محسن علی نجیمی، محسن (۱۳۹۴) پژوهش‌نامه قرآن و حدیث اقوال مختلف در مورد احقاب بیان شده که به معنای مدت طولانی است نه مدت نامحدود و کلمه ماکنون یا لابئین آن را تایید می‌کنند. و جهنم نمی‌تواند وجه خدا باشد پس فانی و از بین رفتنی است.

- مقاله بررسی معناشناسی کاربرد اسم فاطر در قرآن کریم از محمدعلی خوانین‌زاده،
(۱۳۹۵) مطالعات علوم قرآن حدیث

نویسنده به اجمال روش معناشناختی نوین برای بررسی مفاهیم به کاررفته در قرآن کریم ارائه و به بررسی معناشناختی اسم فاطر در قرآن کریم پرداخته است که در روش‌های معناشناسی این پژوهش استفاده شده است.

- نقد و تحلیل: هیچ یک از پژوهش‌های یاد شده یا دیگر پژوهش‌هایی که درباره خلود صورت گرفته است، واژه خلود را همراه با شبکه‌های دانش معناشناسی اعم از روابط همنشینی، جانشینی و مدلول‌های زمانی - مکانی آن بررسی نکرده‌اند.

۲-۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این پژوهش در شرایط تاثیرگذاری تربیتی برای حس خداجوئی - خداآگاهی و توفیق توبه و آراستگی به صفات والای انسانی و دوری از گناه است. ضرورت این پژوهش هشدار بزرگی برای انسان‌هاست تا نسبت به جهان آخرت با دیدی وسیع‌تر بنگرند

و به آثار تربیتی و هدایتی برجسته و کاربردی دست یابند. شناسایی و تبیین این نکته که خلود در جهنم برای همه گنهکاران جاودان و یکسان است یا برای برخی گنهکاران نسبی می‌باشد، و با توجه به دامنه گناهانشان مدتی طولانی در جهنم خواهند بود و بعد از پاکسازی و تطهیر از عذاب نجات می‌یابند و وارد بهشت می‌گردند، بیانگر ضرورت و اهمیت این پژوهش به شمار می‌رود.

۲-۳. روش اجرای پژوهش

توصیفی - تحلیلی بر اساس منابع کتابخانه‌ای است.

۲-۴. اهداف و سؤالات پژوهش

- ۱- آشنایی اجمالی با واژه خلود در ادبیات عرب و تفسیر برای فهم این که آیا عذاب گنهکاران و کیفر دیدگان در جهنم دائمی است یا خیر؟
- ۲- شناسایی و تبیین این که در صورت دائمی بودن گنهکاران در جهنم آیا عذاب آنها پس از مدتی مرتفع می‌شود و احساس عذابی ندارند یا این که عذاب آنها در جهنم ابدی است؟
- ۳- شناسایی و تبیین این که آیا خلود در جهنم برای همه گنهکاران جاودان و یکسان است یا برای برخی گنهکاران نسبی است و نسبت به گناهانشان مدتی طولانی در جهنم خواهند بود و بعد از پاکسازی و تطهیر از عذاب نجات و وارد بهشت می‌گردند.

۲-۵. فرضیه اصلی پژوهش

بر اساس شبکه معنایی واژگان همنشین، جانشین با خلود در جهنم، معنای متخذ و مستنبط از آیات قرآن کریم دلالت بر مدت طولانی حضور و نه جاودانگی را دارد و این پرسش فرضیه اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۳. معناسازی^۱

دانشی است که ابزاری جدید برای کشف دلالت الفاظ در اختیار قرآن پژوهان قرار می‌دهد. آنچه در علم معناسازی ارتباط تنگاتنگ با دانش تفسیر دارد، معناسازی زبانی است که درون زبانی و با مطالعه معنا به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق زبان است. در این معناسازی اعتقاد بر این است که معنای یک واژه را می‌توان بر اساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی تعیین کرد (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۵۷)

نخستین سطح در معناسازی هر متن، شناخت معنای واژگان آن است.

معناسازی در جملات: معنای یک واژه را می‌توان بر اساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی تعیین کرد. چرا که هر واژه با معنای اساسی که همراه خود دارد، با قرار گرفتن در جمله‌ای خاص یا درون یک متن، به دلیل روابط و پیوستگی‌ها با دیگر مفاهیم و عناصر معناسازی جدیدی نیز کسب می‌کند که معنای نسبی هم نام دارد. که برای رسیدن به مفهوم نهایی آن واژه نیز الزامی است. (ایزوتسو، ۱۳۷۳: ۱۴)

- روابط همنشینی

پیوند عناصر زبانی را در زنجیره‌های گفتار و جملات توجیه می‌کند و در اصل روابط موجود میان واحدهایی است که هر کدام یک مقوله دستوری و مکمل یکدیگر بوده و در یک زنجیره گفتار و جمله بر روی محور افقی در ترکیب با یکدیگر قرار می‌گیرند و واحدی معنایی سطح بالاتر را تشکیل می‌دهند. (صفوی، ۱۳۸۰: ۲۷)

- روابط جانشینی^۲

ارتباط عناصر زبانی را با جانشین‌های آنها توصیف می‌نماید و در اصل روابط موجود میان واحدهایی است که همگی از مقوله دستوری یکسانی بوده و روی یک محور عمودی قرار

۱. □□□□□□□□

۲. □□□□□□□□□□ □□□□□□□□□□

خلود در جهنم بر اساس روابط همنشینی و جانشینی ۹۱

می‌گیرند و می‌توانند به جای یکدیگر بیایند و معنای جمله را تغییر دهند (باقری، ۱۳۷۸، صص ۴۲-۴۳) اما در یک زنجیره گفتار و جمله فقط یکی از آنها انتخاب شده و بقیه را نفی و طرد می‌کند و در همان سطح واحد معنایی تازه‌ای را پدید می‌آورد (صفوی، ۱۳۸۰: ۲۸، بی‌پرویش، ۱۳۶۳: ۳۰)

۴. ریشه‌یابی و اشتقاق در لغت و تفسیر

۴-۱. در لغت

- معنای اصلی ماده (خ ل د) در لغت به معنای دوام و بقاء است.
- خلود در لغت به معنای بقای طولانی است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲۳۴/۴)
- خلد به معنی ثبات و دوام است (ابن فارس، ۱۴۰۹ق: ۳۰۶/۲)
- خلد به ضم اول، همیشه بودن، مکث طویل می‌باشد (قرشی، بی‌تا: ۲۷۰/۱)
- خلود آن است که شیء از عروض فساد بدور بوده و در یک حالت بماند. (راغب اصفهانی، ۱۳۱۲ق: ۱۱۵)
- الخلد: البقاء و الدوام (قیصری رومی، ۱۳۷۵: ۱۵۵)
- خلود به معنای بقایی که زمانی شروع شده و انتهای ندارد (حمیری، ۱۴۲۰ق: ۱۸۹/۳)
- خلود به معنای دوام البقاء می‌باشد. (جوهری، ۱۴۲۰ق: ۴۶۹/۲)
- خلود به معنای دوام و بقاء با لحاظ شروع زمانی و نیز ثبات و ملازمت آمده است. (مصطفوی، ۱۴۱۶ق: ۹۸)
- خلود به معنی مکث طویل است (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۴/۳)
- خلود به معنای طول اللبث و مکث طویل می‌باشد. (آمدی، ۱۴۲۳ق: ۳۸۰/۴)
- خلود به معنای بی‌مرگی است. (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۸۹/۱۶)
- خلود به معنای جاودانگی، دوام، بقاء، ابدیت و همیشگی است (معلوف، ۱۳۸۰: ۲۴۷)

- خلد یخلد خلدأوخلودا: یعنی ماندگار شد، جاودان شد، ابدی شد، (انیس، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۵۳۱)
- در واژه‌نامه‌های عربی به فارسی برای واژه‌ی خلود چندین مرادف بیان شده است: بقاء، ماندگاری، همیشگی، همیشه و دائم ماندن، پیر و پرسال گشتن بدون سفیدی مو، اقامت گزیدن، باقی، بهشت، دوام (سیاح، ۱۳۶۵: ۳۶۳/۱، آذرنوش، ۱۳۸۴: ۱۷۶)
- خلود به معنی اقامت داشتن همیشگی در سرایی و خارج نشدن از آن بیان شده است. (ابن المنظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴۶/۳)
- در زبان عربی برای آرایه‌های زینتی، گوشواره و دستبند که بسیار دیر فرسوده می‌گردند الخلد و الخلد کاربرد دارد (انیس، ۱۴۰۸ق: ۵۳۱/۱)
- در ادبیات عرب خلود، کنایه از ابدیت و جاودانگی است. مثلاً عرب گوید: این وضع برقرار است، مادام که شب و روز برقرار است. پس خلود در لغت معانی بسیاری دارد که عبارتند از دوام، جاودانگی، دیر فرسوده شدن، بی‌مرگی، مدت طولانی، که شایع‌ترین آنها مکث طویل و طول اللبث است.

۲-۴. در تفسیر

- خلود ثبات و دوام و بقایی است که منقطع نمی‌گردد. (زمخشری، ۱۴۱۷ق: ۱۱/۱)
- خلود به معنی دوام و بقاء می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ذیل آیه)
- معنای خلود در جهان آخرت همان زمان طولانی است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۴۸۸/۱)
- خلد به فتح خ و سکون لام به معنای آن جزئی است که تا آخرین دقائق زندگیش به حالت خود می‌ماند و مانند سایر اعضاء دچار دگرگونی نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۴۰۳ق: ۲۳/۱۱)
- جوادی آملی گوید: معتزله خلود را به معنای زمان ممتد نمی‌دانند بلکه به معنای لازم و ثبات می‌دانند، اما اشاعره آن را به معنای زمان ممتد و طولانی یا مکث طویل گرفته‌اند. (مطیع، ۱۳۸۷: ۱۰۱)

پس خلود در تفسیر هم معانی بسیاری دارد که عبارتند از بقای بدون انقطاع، ثبات، دوام، زمان طولانی که شایع‌ترین آنها مکث طویل و مدت طولانی است.

۵. شبکه معنایی واژگان خلود در قرآن مجید

در قرآن مجید شبکه معنایی واژه خلود ۷۹ بار آمده که ۳۸ بار در مورد جهنمیان است. در ساختارهای «خالدون» (۱۵) بار و «خالدین فیها» (۱۱) بار و «خالدین فیها ابدًا» (۳) بار و «خالدا فیها» (۱) بار و «خالدین فیها» (۱) بار و «دار الخلد» (۶) بار که ۵ بار در قالب اضافی و (۱) بار در ساختار فعل ماضی «أخلد» و (۱) بار در قالب فعل مضارع «تخلدون» آمده است.

۵-۱. واژگان همنشین با خلود (دوام)

خلد در لغت به دو معنای مختلف آمده است. الف: به معنای همیشگی بودن و بی‌نهایت که همان معنای ابدی (واقعی) است ب: معنای لغوی (مدت طولانی) کاربرد دارد. «فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَّجْدُودٍ» (هود/۱۰۷-۱۰۸) و اما کسانی که تیره‌بخت شده‌اند، در آتش، فریاد و ناله‌ای دارند تا آسمان‌ها و زمین مگر آنچه پروردگارت بخواهد. [که این] بخششی است که بریدنی نیست. و اما کسانی که نیک‌بخت شده‌اند، تا آسمان‌ها و زمین برجاست، در بهشت جاوداندند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد. [که این] بخششی است که بریدنی نیست.

به این ترتیب در بافت متنی قرآن دو آیه فعل «مادامت» از ریشه «دوام» با اسم فاعل «خالدین» که در این بافت، حالت دوزخیان و بهشتیان است نه صفت آن‌ها را دارای رابطه همنشینی از نوع اول ترادف در واژگان است.

۵-۲. ابد

در قرآن لفظ خلود تنها یک بار آمده است: ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (ق/۳۴) به سلامت [و شادکامی] در آن درآید [که] این روز جاودانگی است. در معنای واژه ابد دو نظر متفاوت وجود دارد: الف- لفظ ابد معنای تأسیس (استمرار نامحدود) را دارد. ب- لفظ ابد بر آینده و مستقبل تأکید دارد، همان طور که (قط) برای تأکید ماضی و گذشته است و معنای تأسیس ندارد. (ما فعلت قط) یعنی هرگز انجام نداده‌ام. باید دید لسان آیات قرآن مهر تایید بر کدام معنا را می‌زند. ابد در قرآن هم برای تأسیس و هم برای تأکید به کار رفته است «ماکتین فیه ابدًا» (کهف/۳) برای تأسیس آمده است، ولی «خالدین فیهما ابدًا» برای تأکید است. اما لفظ ابد تنها معنای تأکید مستقبل و آینده را می‌رساند گر چه معنای دوم ابد در مقابل ازل به معنای وصفی برای حق در نهج البلاغه آمده است. خداوند ابد است و امد و مدتی برای او نیست. (رضی، بی تا: ۲۱۰/۱)

مفهوم ابد مانند مدلول زمانی «مادامت»، وعده حق خدا که سه بار در مورد جهنمان آمده که دو بار آن قطعا در مورد کافران است که واژه خلود با واژه ابد دارای رابطه هم‌نشینی از نوع واژگان است.

۱. «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا» (جن/۲۳) هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند قطعاً آتش دوزخ برای اوست و جاودانه در آن خواهند ماند.

۲. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (نساء/۱۶۸-۱۶۹) کسانی که کفر ورزیدند و ستم کردند، خدا بر آن نیست که آنان را بیامرزد و به راهی هدایت کند، مگر راه جهنم، که همیشه در آن جاودانند؛ و این [کار] برای خدا آسان است.

۳. «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» (احزاب/۶۴-۶۵) خدا کافران را لعنت کرده و برای آنها آتش فروزانی آماده کرده است. «جاودانه در آن می‌مانند، نه یاری می‌یابند و نه یآوری.»

۳-۵. شاء (مشیت)

«خالدین فیها» با «شاء» در «الا ما شاءالله» (هود/۱۰۶) دارای رابطه ترادف از نوع دوم هم‌نشینی در جملات (سیاق) است.

خدا انجام دهنده مشیت خویش می‌باشد که مثلث مشیتش در مورد جهنمیان متعلق به ۳ چیز است: «لَهُمْ فِيهَا زُفِيرٌ وَشَهِيقٌ، خَالِدِينَ فِيهَا، مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» که وصف برای مدت خلود است. جهنمی‌ها مشمول مشیت قطعی الهی هستند و مقدار عذاب موعودشان را تحمل می‌کنند، این حقیقت در این آیه آمده است.

«قال النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (انعام/۱۲۸) [خدا] می‌فرماید: «جایگاه شما آتش است؛ در آن ماندگار خواهید بود، مگر آنچه را خدا بخواهد [که خود تخفیف دهد]؛ آری، پروردگار تو حکیم دانا است.

۴-۵. قتل عمد

جمله فعلیه «ومن یقتل مومنا متعمدا» دارای رابطه هم‌نشینی و تردف در جملات از نوع دوم است. «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء/۹۳) و هر کس عمداً مؤمنی را بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود؛ و خدا بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند.

از این آیه می‌توان خلود و ابد را استفاده نمود. ظاهر آیه علاوه بر خلود و غضب، لعن خداوند را در بردارد، هر چند این ظاهر عرفی را دو قرینه و شاهد از کار می‌اندازد.

الف- قرینه اول: تمام این حکم و جزاء برای کسی است که به عمد مؤمنی را بکشد و قاتل هرکس که باشد، کافر یا مشرک، فاسق یا مؤمن، با انگیزه باشد یا بر اثر غفلت، این قتل اتفاق افتاده باشد. عصیان هرچه باشد، ولو مومن از ایمان کمی برخوردار باشد، استحقاق عذاب دایمی را ندارد.

ب- قرینه دوم: آیات غفران شامل

۱. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا

عَظِيمًا» (نساء/۴۸)

۲. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا

(نساء/۱۱۶)

۳. «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (زمر: ۷۳).

از این سه آیه استفاده می‌شود همه گناهان جز شرک بخشودنی هستند. آن چه نابخشودنی است، انحراف فکری است نه ارتکاب عملی که بسیار زشت باشد و مقید آیات خلود هستند و احتمال بیان خلود به معنای واقعی که خلود همیشگی است، را از اعتبار می‌اندازند و شامل تمامی معاصی غیر از شرک امی باشند، در آخر آیه قتل عمد «عَدَابًا عَظِيمًا» آمده که خلود و ابدیت را نمی‌رساند و تنها شدت و عظمت آن را می‌رساند.

۶- جمع بندی واژگان همنشین باخلود

۱-۶. از نوع دوام

در سوره هود آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸ خلود به دوام آسمان‌ها و زمین تعلیق شده است. فخر رازی و زمخشری، سماوات و ارض را در این آیات مربوط به دنیا و ثواب و عقاب آن را مربوط به عالم برزخ می‌دانند و در تأیید قول خود به آیه ۴۶ سوره غافر و روایت امام صادق (ع) استشهد می‌کنند: «النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (غافر/۴۶) فرعونیان را عذاب سخت فرو گرفت. [اینک هر] صبح و شام بر آتش عرضه می‌شوند، و روزی که رستاخیز بر پا شود [فریاد می‌رسد که:] «فرعونیان را در سخت‌ترین [انواع] عذاب درآورید. امام صادق (ع) می‌فرماید: عذاب فرعونیان در این آیه مربوط به برزخ است چون در قیامت صبحگاه و شامگاه وجود ندارد. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ق: ۱۸/۴۰۱، زمخشری ۱۴۱۷: ق: ۲/۴۳۰).

- ملاصدرا و علامه طباطبایی آسمان‌ها و زمین را مربوط به آخرت (قیامت) می‌دانند. و در تایید قول خود به آیه ۴۸ سوره ابراهیم و حدیثی از رسول خدا استشهاد می‌کنند. *يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ* (ابراهیم/۴۸) روزی که زمین به غیر این زمین، و آسمان‌ها [به غیر این آسمان‌ها] مبدل گردد، و [مردم] در برابر خدای یگانه قهار ظاهر شوند. و پیامبر اکرم (ص) فرمودند: زمین دنیا به حالت دیگری تبدیل می‌شود به گونه‌ای وسیع و مسطح که همه خلائق را دربر می‌گیرد. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۵: ۳۲۵/۳، طباطبایی، ۱۴۰۳: ۳۰/۱۱)

۲-۶. از نوع ابد

خلد و خلود و خالد و مخلد تمامی از ثبات و همیشگی بودن امری حکایت می‌کنند که عروض و فساد و زوال در خود نداشته باشد که همان معنای ثبات و دوام و پایان‌ناپذیری است. البته ممکن است در مورد مدت و زمان بسیار طولانی هم به کار روند. ولی همان طور که الفاظ برای روح معانی وضع شده‌اند، روح معنای خلد، خلود، خالد، مخلد، همیشگی، ثبات و دوام است ولی استعمال آن در زمان طولانی با قرینه عقلی امکان دارد. مثلاً فلانی دولتش همیشگی است. با این بیان آرزوی طولانی بودن هر چه بیشتر دولت او می‌شود معنای ابد در فرهنگ قرآن تنصیصی بر معنای خلود ابدی ندارد و قرآن چنین التزامی را از خود نشان نمی‌دهد. هرگاه واژه خلود همراه با واژه ابد بیاید، تاکید است مثل دو واژه فقیر و مسکین که اگر به جای هم به کار روند معنای یکدیگر را تاکید می‌کنند.

۳-۶. از نوع مشیت

«فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِي النَّارِ هُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ يَرِيدُ وَ أَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَّجْدُودٌ» (هود/۱۰۷-۱۰۸)

- منظور از «إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ» در مورد اشقیاء همه افرادی می‌باشند که به دوزخ می‌روند، آنها که اهل ایمان و طاعت بوده و گناہانی از آنها سرزده برای مدت معینی عذاب شده و سپس از دوزخ خارج شده و به بهشت می‌روند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳۰/۱۲)

- «إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ» در مورد بهشتیان و دوزخیان آمده است زیرا استثناء در مورد بهشتیان، استثنای از زمان است. در مورد دوزخیان، استثنا از اعیان است. (ابن عربی، ۱۳۹۷: ۲۸۰/۱)

- خلود کفار و مغرین در گناه و نیت آنها را بی‌انتهای می‌داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۳/۳۲۵)

- «إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ» در مورد جهنمیان و بهشتیان آمده است. علامه طباطبایی حتمال می‌دهد «ما» در هر دو جمله موصوله باشد و استثنای مزبور را استثناء از مدت بقایی می‌داند که قبلاً به خلود در عذاب محکوم بوده‌اند و روایات هم مؤید این مطلب هستند. از امام باقر(ع) در مورد «إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» سؤال شد، فرمودند: «آیه درباره آن عده‌ای است که از آتش بیرون می‌آیند». (طباطبایی، ۱۴۰۳ق: ۱۱/۲۴)

- اندیشمندی می‌گوید: قرآن موضوع ابدیت عذاب گروه کفار معاند را به دوام آسمان‌ها و زمین تشبیه کرده است تا بهتر ملموس همگان شود و این روش بهترین بیان برای فهم مبانی بلند و دقیق است. زیرا ابدیت در معنا کمتر ملموس همگان است و محتاج تحلیل و کاوش عقلی بسیاری می‌باشد. (نکونام، ۱۳۸۶: ۹۴)

۴-۶. از نوع قتل عمد

«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء/۹۳)

ظاهر آیه خلود قاتل در قتل عمدی است و می‌تواند دلیلی بر خلود دسته‌ای در آتش و عذاب باشد و به طور کلی، ابدیت آتش و عذاب را برای عده‌ای اثبات می‌کند ولی هرگز موجب اثبات چنین امری با این وسعت نمی‌شود. زیرا عصیان هر چه باشد هنگامی که

عاصی مؤمن باشد ولو از ایمان کمی برخوردار باشد، هرگز استحقاق عذاب دائم و ابدی را ندارد و آیات غفران و مشیت الهی و احادیث و عقل و حکمت مقید آیه خلود قاتل قتل عمدی در عذاب هستند.

الف- آیات غفران الهی

۱. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا» (نساء/۴۸)

مسلماً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می‌بخشاید، و هر کس به خدا شرک ورزد، به یقین گناهی بزرگ برافته است

۲. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا»

(نساء/۱۱۶) مسلماً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می‌بخشاید، هر کس به خدا شرک ورزد در گمراهی دوری است

۳. «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (زمر: ۷۳) مسلماً خداوند همه گناهان را می‌بخشد.

از این آیات فهمیده می‌شود، تمام معاصی عملی امکان عفو و اغماض دارند، جز انحراف فکری و شرک در اندیشه و ایمان که بدون توبه مورد عفو حق قرار نمی‌گیرد. آیات غفران با آیات خلود هماهنگ است، انسان هنگامی که به شرک گرفتار آید، به جایی می‌رسد که اندیشه‌های سالم خود را آلوده می‌سازد و گرفتار پلیدی‌های نفسانی می‌شود.

ب- آیات مشیت الهی

۱. «خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ» (هود/۱۰۷) خلود در عذاب دوزخیان به مشیت پروردگار تو مشروط شده است که کمال عطوفت پروردگار را نشان می‌دهد و موارد عدم خلود دوزخیان را افزایش می‌دهد.

۲. «خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ» (انعام/۲۸) خداوند در این آیه خلود در

عذاب را به مشیت خود مشروط کرده با این قید که خود را متصف به دو صفت حکمت و علم می‌کند که با انقطاع عذاب خلد مناسبت دارد. و باز تقییدی بر عدم خلود دوزخیان می‌باشد.

ج- لبث و احقاب

«لَا يَبِينُ فِيهَا أَحْقَابًا» (نبا/۲۴) خداوند به جای عذاب خلد، اسم فاعل «لبث» به معنای مکث و قید «أَحْقَابًا» را آورده که به معنای مدت زیاد و طولانی است که مشیر به عدم خلود دوزخیان است.

الف- احادیث مقید خلود: ابن ابی عمیر از امام کاظم(ع) نقل می‌کند: «لا يخلد الله في النار الا اهل الكفر والعنود و اهل الضلال والشرك»

خداوند جز کافران و معاندان و گمراهان و مشرکان را در آتش جاودان و ماندگار نمی‌گرداند. این حدیث نوع مردمی که به خلود عذاب و آتش مبتلا می‌گردند، بیان می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۵۱/۸)

عن ابن عباس: قال رسول الله(ص): «والذي بعثني بالحق بشيرا و نذيرا لا يعذب الله بالنار موحدا ابدا و لا اصلي بالنار اهل توحيدى، ادخلوا عبادى الجنة» از ابن عباس روایت شده که رسول خدا فرمودند: سوگند به آن که مرا به حق بشارت دهنده و ترساننده برانگیخت، خداوند هیچ‌گاه یکتاپرست را شکنجه نمی‌کند و خداوند می‌فرماید: باورمندان به یگانگی‌ام را در آتش نمی‌سوزانم، بندگانم به بهشت درآیید. حدیث نبوی تأکید دارد، موحد آتش و عذاب را نمی‌بیند، گر چه اهل معاصی بزرگ باشد، خداوند با دعوتی عام می‌فرماید: بندگانم با هم وارد بهشت شوید و در آن به سر برید. پس احادیث هم مقید آیات خلود در عذاب ابدی گنهکاران هستند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۵۸/۸)

ب- عقل و حکمت

حکم کلی عقل: اگر آیات و احادیث بر خلود ابدی مخلد دلالت دارند، این مطلب با استدلال عقلی مبرهن نشده، بلکه عقل حکم به استبعاد آن می‌کند، لذا نمی‌تواند از نظر عقل معتبر باشد. چگونه از یک عمل محدود، یک اثر جاودانه به نام عذاب الخلد تکوینا به

خلود در جهنم بر اساس روابط همنشینی و جانشینی ۱۰۱

وجود آید، مثلاً کسی که یک عمر عبادت خدا کرده، ولی در ساعات آخر عمرش بنا به عللی قتل عمدی کرده است، چگونه ممکن است اعمال چند ساعته او منجر به عذاب خلد گردد. فخررازی گوید: اگر جن و انس با هم جمع شوند، کسانی که خلود در عذاب را به دین الهی (ظواهر آیات و احادیث) نسبت داده‌اند، باید به این شبهه پاسخ دهند و عقل را از این تحیر خارج کنند. (رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۸/۱۲۰)

۷. آیات جانشین خلود

گفتیم واژه در محور جانشینی، ارتباط عناصر زبانی را با جانشین‌های آنها توصیف می‌نماید. که بر روی یک محور عمودی قرار می‌گیرند و می‌توانند به جای یکدیگر بیایند و معنای جمله را تغییر دهند (باقری، ۱۳۷۸: ۴۲-۴۳)

۷-۱. آیات دال بر مأوا و مسیر

آیاتی که مأوا و مکان و مسیر اهل دوزخ را بیان می‌کنند. این آیات فقط به مکان دوزخیان اشاره دارند. «فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء/۹۷) جایگاه اینان جهنم است و بد جایگاهی است.

۷-۲. آیات دال بر اصحاب جاودانه آتش

همان‌گونه که به مالک یک خانه که برای همیشه زندگی خویش در این حیات دنیایی که در آن ماندگار است، صاحب الدار، صاحب البیت گویند و در فارسی، به صاحب خانه گفته می‌شود، در قرآن نیز بدکاران به اصحاب الجحیم نامگذاری شده‌اند. این آیات مربوط به خلود اهل آتش است که اصحاب دوزخ را عنوان می‌کند «أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ» (رعد/۵)

۷-۳. آیات دال بر عدم مرگ و زندگی دوزخیان

«إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ» (طه/۷۴) در حقیقت، هر که به نزد پروردگارش گنهکار رود، جهنم برای اوست. در آن نه می‌میرد و نه زندگی می‌یابد.

«لَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ» (زمر/۴۶) اگر آنچه در زمین است، یکسره برای کسانی که ظلم کرده‌اند باشد و نظیرش [نیز] با آن باشد، قطعاً [همه] آن را برای رهایی خودشان از سختی عذاب روز قیامت خواهند داد، و آنچه تصور [ش را] نمی‌کردند، از جانب خدا بر ایشان آشکار می‌گردد.

۴-۷. آیات دال بر وعده عذاب

«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء/۹۳) و هر کس عمداً مؤمنی را بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود؛ و خدا بر او خشم و لعنتش می‌کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است.

۵-۷. آیات دال بر عذاب دردناک

«فِيَعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا» (کهف/۸۷) آنگاه او را عذابی سخت خواهد کرد.

«فِيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ» (غاشیه: ۲۴) که خدا او را به آن عذاب بزرگتر عذاب کند.

۶-۷. آیات دال بر عدم تخفیف عذاب

«فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره/۸۶) هرگز تخفیف عذاب در کار نیست و کسی آنها را یاری نمی‌کند.

«وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره/۱۲۳) بترسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند، و نه بدل از وی پذیرفته شود، و نه او را میانجیگری سودمند افتد، و نه یاری شوند

۷-۷. آیات دال بر عدم خروج از آتش

«وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ» (بقره/۱۶۷) و از آتش بیرون آمدنی نیستند.

«كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ» (حج/۲۲) هر بار بخواهند از [شدت] غم، از آن بیرون روند در آن باز گردانیده می‌شوند [که هان] بچشید عذاب آتش سوزان

۷-۸. آیات مشتمل بر فعل ذم بنس

«وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (بقره/۱۲۶) «و[لی] هر کس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می‌کنم، سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش [دوزخ] می‌کشانم، و چه بد سرانجامی

آیه از زشتی و تندی عذاب حکایت می‌کند بویژه که به ظالمان و متکبران اضافه شده است. قرینه «فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا» این را می‌رساند که نعمت‌های صوری یاد شده در دنیا برای آنها در دوزخ نیست «ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ» حکایت از این است که عذاب دوزخ برای کفار مطابق میل آنان نیست و از این پذیرایی سخت در شدت هستند، پس عذاب باید دردناک باشد. (نکونام، ۱۳۸۶، ص ۹۵)

۷-۹. آیات مشتمل بر لفظ جهنم

«فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ» (بقره/۲۰۶) جهنم برای او بس است، و چه بد بستری است. «هُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نُجْزِي الظَّالِمِينَ» (اعراف/۴۱) برای آنان از جهنم بستری و از بالایشان پوشش‌هاست، و این گونه بیدادگران را سزا می‌دهیم. «وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا» (اسراء/۸) دوزخ را برای کافران زندان قرار دادیم.

۷-۱۰. آیات مشتمل بر لفظ زندان

«فَرَدُّهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ» (ص/۶۱) عذاب او را در آتش دو چندان کن
«هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» (ق/۳۰) آیا باز هم هست؟»

قرآن با نفی خارج شدن کافران معاند، در مواردی بر ازدیاد آتش برای سردمداران کفر و عناد در دوزخ تاکید دارد. که بر واقعیت شدت و ابدیت عذاب دوزخی دلالت دارد.

۱۱-۷. آیات مشتمل بر لفظ ذَرَأْنَا

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ» در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹) آنان همانند چهاربایان بلکه گمراه‌ترند. [آری،] آنها همان غافل‌ماندگانند.

«ذَرَأْنَا» بروز و ظهور حقیقت باطنی جهنم است و یکی از معانی ذرأ، خلق است. ما جمع کنیری از جن و انس را برای جهنم آفریده‌ایم که سنخیت وجودی آنان چنین امری را ایجاد می‌کند. آنان دوزخیانی هستند که کردارشان آنان را به این مرحله پستی می‌رساند.

۱۲-۷. آیات دال بر احاطه جهنم

«وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه/۴۹) و بی‌تردید جهنم بر کافران احاطه دارد.

احاطه دوزخ چگونه است؟ احاطه به معنای مطلق کلمه در جهت کم و کیف می‌باشد و چیزی کمتر از ابدیت نیست، زیرا مقید به زمان و مکان و خصوصیتی نمی‌شود و به طور شمول می‌فرماید لِمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ این گروه هرگز از آتش و عذاب جهنم گریزی ندارند و آتش بر همه جهات وجودی آنها احاطه دارد. و این احاطه هر گونه محدودیتی را دور می‌کند.

۱۳-۷. آیات دال بر سوخت جهنم

«وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا» (جن/۱۵) ولی منحرفان، هیزم جهنم خواهند بود.

«فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره/۲۴) از آن آتشی که

سوختش مردمان و سنگ‌ها هستند، و برای کافران آماده شده، پیره

۱۴-۷. آیات دال بر عدم غیبت آتش

خلود در جهنم بر اساس روابط همنشینی و جانشینی ۱۰۵

سه آیه که اثبات ابدیت آتش و عذاب را می‌گویند. «وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» (انفطار/۱۴) و فاجران همانا در دوزخند.

«وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ» (انفطار/۱۶) و در دوزخ از آتش غایب نیستند.
«أُولَئِكَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا» (نساء/۲۱) جایگاه اینان دوزخ است و گریزی از آن ندارند.

۱۵-۷. آیات دال بر لعن و خواری جهنمیان

«وَيَجْلُدُ فِيهَا مُهَانًا» (فرقان/۶۹) و پیوسته در آن خوار می‌ماند.
«قَالَ احْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون» (مؤمنون/۱۰۸) می‌فرماید: «[بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید.»

۸. جمع‌بندی آیات جانشین خلود

قیودی چون اصحاب جاودانه آتش، عدم مرگ و زندگی دوزخیان و ... که همگی از جاودانگی در عذاب حکایت می‌کنند، چگونه با عدالت خداوند سازگارند؟
نقد و تحلیل: با توجه به مدت محدود گناه عاصی، کیفر گناه نیز باید محدود باشد و چنانچه خلود به معنای جاودانگی باشد، با عدل خدای حکیم ناسازگار است. مهم‌ترین قاعده مدنظر عقلاء و حقوقدانان قاعده مقابله به مثل است. مقابله در لغت به معنای رویارویی، عوض کردن، تلافی کردن و جنگ و ستیز است، واژه مثل به معنای مانند و شبیه است (اسکندری، ۱۳۷۹: ۱۴)

مقابله به مثل یعنی همان عملی که شخص یا گروهی در مورد دیگری انجام داده است در باره خود وی انجام شود و معمولاً به شکل انتقام‌گیری در نظر می‌گیرند ولی در قرآن نوع مثبت آن آمده است (نجیمی، ۱۳۹۴: ۵۰)

«وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها» (نساء/۸۶): چون به شما درود گفته شد،

شما به [صورتی] بهتر از آن درود گوئید

«وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ» (نحل/۱۲۶) و اگر عقوبت کردید، همان گونه که

مورد عقوبت قرار گرفته‌اید [متجاوز را] به عقوبت رسانید،

الف: این قاعده کلی است و در مورد دوزخیان متناسب با کارهای ناشایست آنها نیز

صادق است. بنابراین خلود در عذاب را باید به گونه‌ای بیان کرد که این قاعده نفی نشود.

ب- اسلام هر چند رضایت به گناه را امری ناپسند می‌شمارد، حتی قائل به وجوب

کراهت و حرمت رضایت به گناه است ولی هیچ شرطی برای آن قائل نشده است و در هیچ

فتوایی برای گناه قلبی کیفری در نظر گرفته نشده است، حتی در مورد عزم و تصمیم به

گناه اختلاف نظر است. بنابراین نمی‌توان گفت: در دنیا که مزرعه آخرت و منزل تکلیف

است، چنین امری کیفر ندارد ولی در آخرت کیفر دارد. (امام خمینی ۱۴۰۷ق: ۴۳۸/۱)

ج- انقطاع تکلیف در آخرت از نکات مهم دیگر است و دلیل آن خالص بودن

پادشاهی اخروی از ناخالصی‌ها است، در صورتی که بنای تکلیف بر مشقت و سختی

استوار است در دنیا که دار تکلیف است کیفر بر اساس جرم و قاعده مقابله به مثل است

چگونه در آخرت که تکلیف منقطع می‌شود، جرم محدود کیفر نامحدود داشته باشد و این

ظلم است. إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ (نساء/۴۰) همانا خدا ذره‌ای ظلم نمی‌کند.

د- اعمال و کردار انسان محدود به حدود معینی است. در منطق قرآن جزا یا پاداش

برگرفته از عمل انسان است، چون عمل و کردار انسان محدود به حدود است جزا یا پاداش

نیز باید محدود به حدود باشد، پس خلود به معنای لغوی صحیح است.

برخی مفسران مانند صادقی طهرانی مدت بی‌نهایت در دوزخ را دروغی بر عدالت

پروردگار حکیم می‌داند «فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (یس/۵۴) در

قیامت به کسی ظلم نمی‌شود و جز آنچه در دنیا انجام داده‌اید، مجازات نمی‌شوید.

خلود در جهنم بر اساس روابط همنشینی و جانیشینی ۱۰۷

و آیه ۱۰۷ سوره هود را خالی از قید می‌داند و دلیلی بر محدودیت جزای باشد (حسینی طهرانی، ۱۴۲۳ق: ۶۴۹/۲).

آیاتی چون آیه ۴۰ سوره شوری مماثلت را بیان می‌کند «وَجَزَاءٌ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا» تطابق جرم و کیفر است. همان مقداری که مجرم سیئاتی با همه آثارش مرتکب شده است، کیفر می‌بیند، پس کیفر بدون کسب جرم یا فراتر از آن ظلم در جزاء است و با تعداد دیگری از آیات سازگار نیست (انعام/۱۶۰، قصص/۸۴، غافر/۴۰، بقره/۸۱) در کیفر مماثلت شرط است نه بدتر تا چه رسد به زیادتیر که بدتر و زیادتیر هر دو ظلم است و خداوند از آن‌ها مبرا می‌باشد.

۹. نتیجه‌گیری

شبهه معنایی واژگان خلود ۷۹ بار در قرآن کریم آمده است. ۴۱ بار در مورد بهشتیان و ۳۸ بار در مورد دوزخیان است که ۲۸ بار آن در باره کفار معاند و ۱۰ بار در مورد مومنین عاصی است. دوم خلود یک مفهوم فرازمانی است، چون مرتبط با دنیا نیست و به آخرت مربوط است. سوم خلود به دو معنای واقعی (ابدیت) و معنای لغوی یا نسبی (مدت طولانی) کاربرد دارد. چهارم خلود با ابد همنشین شده که هر دو از نوع اول همنشینی در واژگان هستند که اگر با هم بیابند معنای یکدیگر را تاکید می‌کنند واژه خلود با فعل شاء (مشیت) همنشین شده و استثنای اصطلاحی است و از رهایی و انقطاع اهل عذاب خبر می‌دهد. و قتل عمدی مومن هر چند از معاصی بزرگ است و مجازات شدید در دنیا و آخرت را دارد، ولی با آیات غفران مقید شده که خداوند تمام معاصی عملی را جز شرک عفو می‌نماید. پنجم واژگان جانشین با خلود که واژه خلود را ندارند و مشابه آن را دارند؛ مانند اصحاب الجحیم، احاطه جهنم بر کفار، عدم غیبت از آتش و ... دلالت بر شدت عذاب اهل نار دارد و التزامی بر خلود ابدی ندارند. این آیات در حد وعید هستند. حداکثر وعیدهای خداوند، امکان وقوع است. وقوع یا عدم وقوع موکول به مشیت الهی است. آیات

خلود در بهشت، وعده خداوند هستند و عمل به وعده، عقلا و عرفا و شرعا واجب است ولی عمل به وعید موکول به مولی است و بین عمل و یا ترک آن مجاز و مختار است. حداکثر دلالت آیات وعید تهدید و تخویف است که همان خلود لغوی اکثر گنهکاران (مدت طولانی) فرضیه اصلی پژوهش، استنباط می‌شود.

کتابنامه

۱. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۴)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران: نشرنی.
۲. آمدی، سیف‌الدین (۱۴۲۳ق)، ابکار الافکار فی اصول الدین، قاهره: دارالکتب.
۳. ابن عربی، محی‌الدین (۱۳۹۷ق)، الفتوحات المکیه، بیروت: دار صادر.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، قم: مرکز الاعلام الاسلامیه.
۵. اسکندری، محمدحسین (۱۳۷۹)، قاعده مقابله به مثل در حقوق بین‌الملل از دید اسلام، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلام.
۶. ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۷۳)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، چاپ سوم، تهران: نشر اسلامی.
۷. باقری، مهری، (۱۳۷۸)، مقدمات زبان‌شناسی، تهران: نشر قطره.
۸. بی‌پرویش، مانفرد (۱۳۶۳)، زبان‌شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: نشر آگاه.
۹. پالمر، فرانک (۱۳۷۴)، نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ترجمه کورش صفوی، تهران: کتاب ماد.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵) تسنیم، چاپ اول، قم: انتشارات اسراء.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، ج ۱، قم: دار العلم للملایین.
۱۲. حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۳ق)، معادشناسی، مشهد: نشر علامه طباطبایی.
۱۳. حویزی واسطی، محمدمرغزی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
۱۴. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام، بیروت: دار الفکر.

خلود در جهنم بر اساس روابط همنشینی و جانشینی ۱۰۹

۱۵. خمینی، روح‌الله (۱۴۰۶ق)، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۶. راغب اصفهانی، حسن بن محمد (۱۳۱۲ق) المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دار العلم.
۱۷. رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، (تفسیر کبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
۱۸. رضی، محمد بن طاهر (بی‌تا)، نهج البلاغه، تحقیق فهارس صبحی صالح، قم: دار الهجرة.
۱۹. زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸ق)، التفسیر المنیر، بیروت: دارالفکر.
۲۰. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ق)، الکشاف عن حقایق القرآن، قم: انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۱. شیرازی، صدرالدین محمد (۱۴۲۵ق)، تفسیر القرآن الکریم، قم: طلیعه النور.
۲۲. صفوی، کورش (۱۳۸۰)، از زبان‌شناسی به ادبیات، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۲۳. طباطبایی، علامه سید محمدحسن (۱۴۰۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۵. طریحی، فخرالدین محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: انتشارات مرتضوی.
۲۶. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۵ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۲۸. قرشی، علی‌اکبر (بی‌تا)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. قیصری رومی، محمدداوود (۱۳۷۵)، شرح فصوص الحکم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۰. مطیع، حسن (۱۳۸۷)، «خلود در عذاب با مروری بر دیدگاه ملاصدرا»، پژوهش اندیشه نوین دینی، ش ۱۵، صص ۱۰۰-۱۲۰.
۳۱. معلوف، لویس (۱۳۸۰)، المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات ایران.
۳۲. مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: انتشارات ایران.
۳۳. نجیمی، محسن علی (۱۳۹۴)، «مقاله بررسی عقلی و شواهد قرآنی روایی بر اثبات مفهوم خلود در جهنم»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، پاییز و زمستان، شماره ۱۷، صص ۵۰-۶۳.

۳۴. نکونام، محمدرضا (۱۳۸۶)، خلود در دوزخ، قم: انتشارات نگین.





شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی